



حماسه ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ تبریز و گزارش هیأت ویژه نظام شاهنشاهی

جواد کامور بخشایش^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اگر چه عموماً سرنوشت انقلاب‌ها، جنبش‌ها و حرکت‌های اجتماعی در مرکز رقم می‌خورد اما این بدان معنا نیست که حرکت‌های مردمی در دیگر شهرها، در تعیین سرنوشت جنبش‌های اجتماعی کم‌اثر و این حرکت‌ها فاقد مبانی تئوریک است. به ویژه در تاریخ تحولات ایران، به دلیل عدم تمرکز کانون‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی، به سختی می‌توان حرکت‌های اجتماعی را با تکیه بر وقایع و رخداد‌های یک شهر و منطقه خاص تحلیل نمود.

به عنوان مثال، برای فهم خاستگاه جنبش‌های اجتماعی در ایران، قم و مشهد به عنوان مرکزیت مذهبی، اصفهان و شیراز به عنوان مرکزیت فرهنگی و تهران و تبریز به عنوان مرکزیت سیاسی در تاریخ تحولات صدساله اخیر، آثار تردیدناپذیری داشته‌اند. تحلیل‌گر تاریخ

۱. محقق و پژوهشگر.

تحولات صدساله اخیر در فهم خاستگاه جنبش‌های اجتماعی، نمی‌تواند از رخداد‌های این مراکز غافل باشد. در کنار این مراکز مهم و تعیین‌کننده، جغرافیای سیاسی و فرهنگی ایران به گونه‌ای است که سایر مناطق و شهرها نیز کم و بیش در جنبش‌های اجتماعی تأثیر خواهند گذاشت. مبادی ورودی و مناطق مرزی ایران در شمال، جنوب، شرق و غرب و مراکز این مناطق همیشه در معادلات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تعیین‌کننده بوده‌اند. شمال ایران به دلیل وجود مرزهای طولانی و حساس با روسیه و شوروی در گذشته، به طور یقین در معادلات جنبش‌های اجتماعی صدساله اخیر اهمیت بسزایی داشته است.

داستان رقابت روس و انگلیس، اهمیت شمال ایران در ورود افکار متنوع اروپایی در عصر قاجاریه و پهلوی، به ویژه در دوره حکومت سوسیالیستی شوروی و از همه مهم‌تر فعالیت جریان‌ها و احزاب چپ در این منطقه بخشی از تاریخ تحولات دوران معاصر است.

در غرب کشور این حساسیت به نوع دیگری ظهور می‌کند. وجود حکومت عثمانی در مرزهای غربی در دوران قاجاریه و داعیه این حکومت نسبت به مرزهای ایران و از همه مهم‌تر بستر مناسب مذهبی منطقه برای فعالیت‌های عثمانی‌ها و نقطه تلاقی کشور با جریان‌های لیبرالیستی (در کنار جریان‌های سوسیالیستی در شمال)، همیشه این منطقه را در معادلات تاریخ تحولات ایران از اهمیت خاصی برخوردار کرده است. غرب ایران در کنار شمال، به طور طبیعی محل تلاقی و مبادی ورود انواع و اقسام مشرب‌های فلسفی و سیاسی اروپایی در دوست سال اخیر بوده است. جنوب ایران به دلیل دسترسی به آب‌های خلیج فارس و دریای عمان و همسایگی با اعراب و استعمارگران قرن هجدهم و نوزدهم اروپا، بخش دیگری از منطقه حساس در معادلات جنبش‌های اجتماعی ایران می‌باشد و به همین نسبت از شرق و شمال شرقی ایران تا خراسان نیز نمی‌توان چشم پوشید.

با این تفصیل، خاستگاه‌های فکری، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و امنیتی ایران به گونه‌ای در جغرافیای این کشور پراکنده است که به سختی می‌توان مرزهای جنبش‌های اجتماعی را با بررسی رخداد‌های منطقه‌ای خاص به درستی تجزیه و تحلیل نمود. انقلاب اسلامی ایران از این

قاعده مستثنی نیست. اگر چه تهران و قم در این بررسی‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند، اما این بدان معنا نیست که تنها رخدادها و حرکت‌های این دو شهر بود که به نضج‌گیری و پیروزی انقلاب منجر شد.

در انقلاب اسلامی ایران همه مراکز فرهنگی، مذهبی، سیاسی، فکری و حتی جغرافیای قومی به گونه‌ای مؤثر بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. در این میان شهر تبریز و منطقه آذربایجان از دیرباز در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران اعتبار ویژه‌ای داشته است. تبریز در طول تاریخ معاصر علاوه بر مرجعیت فکری به خصوص در حوزه اندیشه‌های غربی، به عنوان منطقه ولیعهدنشین، پایتخت دوم ایران در بسیاری از معادلات سیاسی، جنبش‌های اجتماعی و حرکت‌های فکری به ویژه در دوره قاجاریه و پهلوی بوده است. رخدادهای تبریز همواره از جنبه اهمیت اجتماعی هم‌تراز با رخدادهای پایتخت سیاسی، مذهبی و فرهنگی ایران محاسبه می‌گردید و از چشم مورخان تیزبین و تحلیل‌گران جامع‌نگر پنهان نمی‌ماند.

تلور عینی اهمیت و ویژگی تبریز و منطقه آذربایجان را در دوره معاصر، در همراهی مردم این شهر با نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ و انقلاب اسلامی می‌توان مشاهده کرد.

در جریان نهضت اسلامی، شهر تبریز به عنوان یکی از مراکز ثقل فعالیت‌های انقلابی به شمار می‌آمد و در طول نهضت فراز و فرودهای زیادی را پشت سر گذاشت. بارزترین جلوه همراهی تبریز و مردمان آن با انقلاب اسلامی در قیام ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ تجلی یافت. قیامی که در واقع اساس و بنیان قیام‌های بعدی قرار گرفت و به عنوان سر سلسله «اربعین»‌ها، قیام خونین ۱۹ دی قم را به قیام‌های پی در پی مردمی پیوند داد که در قالب «اربعین»‌ها شکل گرفتند و روند و سیر وقایع را برای رسیدن به پیروزی نهایی سرعت بخشید. مهم‌ترین تأثیر قیام ۲۹ بهمن پاسخی عملی به ادعاهای محمدرضا پهلوی بود که خود را مظهر وحدت ملی و سرنگونی‌اش را ناممکن می‌دانست اما توالی قیام‌های ۱۹ دی قم و ۲۹ بهمن تبریز نشان داد که

عزم و اراده آهنینی برای براندازی رژیم محمدرضا شاهی استوار گشته است.^۱

در ۱۷ دی ۱۳۵۶ روزنامه اطلاعات، مقاله توهین آمیزی با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» و با نام مستعار احمد رشیدی مطلق منتشر ساخت. در این مقاله با بی‌شرمی تمام به امام خمینی، مرجع بزرگ شیعیان جهان، اهانت شده بود. در بررسی علل انتشار آن مقاله در شرایط سیاسی - اجتماعی آن روز، آن هم در روزنامه‌ای سراسری می‌توان چنین استنباط کرد که مقاله فوق عکس‌العملی از سوی شاه و عوامل وابسته وی علیه امام خمینی به عنوان رهبر نهضت اسلامی بوده است. به ویژه اینکه این مقاله مدتی پس از سفر کارتر به ایران منتشر شد و به یقین می‌توان گفت که کارتر قوت قلب خاصی به محمدرضا پهلوی داده و او را برای سرکوبی انقلابیون و در رأس آن، رهبری نهضت تشویق کرده است.

به دنبال انتشار مقاله فوق، آتش خشم و نفرت سراسری ملت ایران دوباره شعله‌ور گردید و بار دیگر عزم و اراده ملت برای رویارویی با عوامل فتنه و فساد استوار گشت. در این میان، پیش‌تاز مبارزات، مردم قم بودند که در عکس‌العمل به این بی‌حرمتی به خیابان‌ها ریختند و با اهدای خون‌دها شهید و مجروح شدن عده زیادی زن و مرد حماسه تاریخی ۱۹ دی را آفریدند.

حماسه ۱۹ دی سلسله حوادثی را به دنبال داشت که به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد. بزرگداشت اربعین شهدای حماسه ۱۹ دی در قیام تاریخی ۲۹ بهمن تبریز متجلی شد و به دنبال آن برگزاری چهل شهدای این قیام تاریخی در یزد، جهرم، مشهد، اصفهان و دیگر شهرهای ایران، شیرازه رژیم را در هم ریخت.

با فرا رسیدن چهل شهدای حماسه قم، مردم تبریز خود را برای برگزاری مراسم ختم و انجام حرکتی جدی علیه رژیم پهلوی آماده می‌کردند. در این میان، گروه‌های مختلف دانشجویی و بازاریان و در رأس آنها، روحانیان اهمیت ویژه‌ای داشتند. اعلامیه‌های مراجع

۱. حماسه ۲۹ بهمن تبریز، به کوشش علی شیرخانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۱، ۱۳.

تقلید قم که روز چهارم حماسه ۱۹ دی را عزای عمومی اعلام کرده بودند در سطح شهر توزیع شد. اعلامیه‌هایی نیز از سوی علما و روحانیان استان صادر و بر در و دیوار شهر نصب گردید. آیت‌الله قاضی طباطبایی نیز با صدور اعلامیه‌ای - که چند نفر از علما نیز آن را امضا کرده بودند - اعلام کرد که در روز بیست و نهم بهمن مجلس ختمی در مسجد حاج میرزا یوسف (مسجد قزلی) برگزار خواهد شد و از عموم مردم برای شرکت در آن مراسم دعوت به عمل آورد. متعاقب آن دانشجویان دانشگاه تبریز هم با صدور اعلامیه‌ای یاد شهدای ۱۹ دی قم را گرامی داشتند:

... ما یاد شهدای نوزدهم دی‌ماه قم را پیوسته گرامی می‌داریم و از همه دانشجویان و دیگر انسان‌های آزادی‌خواه می‌خواهیم روز شنبه ۲۹ بهمن ۵۶ روز چهارم آن شهدا را تجلیل نموده، با آرامش و صبر سرخ انقلابی در مراسمی که به این مناسبت در هر کجا تشکیل شود شرکت کنند. دانشجویان مبارز مسلمان^۱

در روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ شهر تبریز به حالت تعطیل درآمد. سکوت حاکم، حاکی از آن بود که شهر در یک اعتصاب عمومی به سر می‌برد. بازار، مغازه‌ها و اکثر نانوایی‌ها تعطیل بودند و دانشجویان هم با ترک دانشگاه، خود را برای شرکت در مراسم آن روز آماده می‌کردند. همگام با مردم، مأموران حکومتی و مسئولان امنیتی نیز در گوشه و کنار شهر استقرار می‌یافتند. گویا آنان نیز از نوع رفتار و تب و تاب‌ی که در چهل روز اخیر در بین مردم حاکم بود باخبر بودند و برگزاری مراسم چهارم شهدای قم را مجلس عادی و معمولی تصور نمی‌کردند.^۲

صبح روز شنبه، ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، با آنکه ساعت برگزاری مراسم ده تا دوازده صبح اعلام شده بود، مردم زودتر از وقت مقرر به سمت مسجد قزلی به حرکت در آمدند اما در کمال ناباوری درهای مسجد را بسته یافتند. این عمل برای مردم درک‌پذیر نبود. عده‌ای پلیس مقابل

۱. رحیم نیکبخت، جنبش دانشجویی تبریز به روایت اسناد و خاطرات، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، سوره مهر، ۱۳۸۱، ص ۷۳۶.

۲. اعظم مراد حاصلی خامنه، تبریز در خون، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۷.

مسجد تجمع کرده بودند و افراد را از ورود به مسجد باز می‌داشتند. هر لحظه بر تعداد جمعیت افزوده می‌شد و در عین حال مأموران کلانتری می‌کوشیدند آنان را پراکنده سازند.

سرگرد حق‌شناس، رئیس کلانتری شش تبریز، به مردم حاضر در جلوی مسجد اعلام می‌کرد که امروز در این مسجد هیچ خبری نیست، هرچه زودتر متفرق شوید. اما مردم مقاومت می‌کردند. در گزارشی که بعدها هیأت ویژه رسیدگی به حادثه ۲۹ تبریز تهیه کرده بود مسئول باز نکردن درب مسجد سرایدار آن عنوان شده بود که نتوانسته بود خود را به موقع به مسجد برساند. این در حالی است که مشهدی محمد عرفان، خادم مسجد، روز قبل از آن از سوی آیت‌الله قاضی طباطبایی از برنامه مطلع بود و همان روز هم - قبل از ساعت ۱۰ - خود را به مسجد رسانده بود اما با خیل عظیم جمعیت و ممانعت پلیس از باز کردن درب مسجد روبه‌رو شده بود.^۱ واقعیت امر آن بود که مسجد به دستور استاندار وقت، اسکندر آزموده، بسته شده بود.

از روز قبل از ۲۹ بهمن دانشجویان دانشگاه تبریز تصمیم گرفته بودند کلاس‌های درس را به منظور شرکت در مراسم مسجد قزلی در این روز تعطیل کنند. عده‌ای از دانشجویان هم که در دانشگاه حاضر شده بودند از ساعت ۹ صبح با دادن شعار و شکستن شیشه‌های ساختمان‌های داخل دانشگاه و آتش زدن کیوسک گارد دانشگاه با چوب‌هایی به طرف شهر در حال حرکت بودند.^۲

در مقابل مسجد قزلی جمعیت افزایش یافته بود و آنها هر چه اصرار می‌کردند در مسجد باز شود، مأموران به دستور حق‌شناس اجازه این کار را نمی‌دادند. تعدادی از دانشجویانی که آن روز به جای حاضر شدن در دانشگاه به جلوی مسجد آمده بودند تا در مراسم چهلم شهدای قم شرکت کنند آرام آرام به خشم آمدند. یکی از آنها که محمد تجلّ نام داشت به حق‌شناس

۱. تبریز در انقلاب، تدوین هدایت‌الله بهبودی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، عروج، ۱۳۸۳، ص ۲۲۳.

۲۲۴.

۲. همان، ۲۲۵.

اصرار زیادی کرد که درب مسجد را باز کند. سرانجام میان آنان مشاجره‌ای در گرفت و حق‌شناس آشکارا در بین آن همه جمعیت به خانه خدا و مردم حاضر در جلوی مسجد توهین کرد و تجلاً این توهین را تحمل ننمود و در مقابل عمل حق‌شناس سیلی محکمی به گوش او نواخت. حق‌شناس از اقدام آن دانشجو به شدت عصبانی شد به گونه‌ای که بلافاصله کلت کمربندی‌اش را درآورد و سینه محمد تجلاً^۱ را نشانه رفت و با شلیک یک تیر او را به شهادت رساند.^۲

با افتادن محمد تجلاً مردم حاضر در صحنه به خشم آمدند و جنازه خونین وی را بر دستانشان گرفتند و لاله‌الله گویان به راه افتادند. خشم مردم مهارشده‌ی نبود عده‌ای از آنها با دیدن موتورسیکلت پلیس که در میدان کوروش پارک شده بود به سمت آن رفته و موتور پلیس را آتش زدند. در تقاطع بازار هم به یک کیوسک پلیس حمله‌ور شدند و آن را درهم کوبیدند. مردم مانند دریای خروشان همچنان در حرکت بودند و در طول مسیر عده زیادی به

۱. محمد تجلاً در ۱۳۳۵ در اردبیل به دنیا آمد. نام خانوادگی‌اش زنوزی عراقیان بود که به دلیل مراقبت‌های فراوان ساواک مجبور به تغییر نام خانوادگی خود شد. در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ بین قم و تبریز در رفت و آمد بود و در توزیع و تکثیر اعلامیه فعالیت می‌کرد. وی به هنگام شهادت ۲۲ سال داشت و دانشجوی رشته مهندسی بود. جنازه وی به صورت ناشناخته در گورستان امامیه تبریز به خاک سپرده شد اما پس از یک ماه با اجازه آیت‌الله قاضی طباطبایی نبش قبر شد و شناسایی گردید. تجلاً شب پیش از شهادتش کتاب‌هایش را وقف مسجد کرده بود (تبریز در انقلاب، همان، ص ۲۲۷).

۲. حق‌شناس پس از به شهادت رساندن محمد تجلاً و شلیک چند تیر هوایی به وحشت افتاد و به طرف دکه پلیس که در آن نزدیکی قرار داشت رفت. عده‌ای از مردم به دنبال او دویدند و او سرانجام برای حفظ جان خود به یک حمام زنانه پناه برد (رحیم نیکبخت، همان). سرگرد حق‌شناس پس از ۲۹ بهمن تبریز به تهران انتقال یافت و معاون کلانتری یوسف آباد تهران شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جریان دستگیری عوامل رژیم توسط مردم، او نیز دستگیر گردید اما چون به هویت واقعی او پی برده نشد آزاد گردید. پس از چندی توسط کمیته انقلاب اسلامی کرج دستگیر و به زندان افتاد و پس از مشخص شدن هویت واقعی‌اش به دلیل مشارکت در سرکوبی قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ محاکمه و اعدام گردید (تبریز در انقلاب، همان، ۲۲۸).

جمعیت خشمگین می پیوستند تا قیام تاریخی تبریز را شکل دهند.^۱

محوطه مسجد قزلی و خیابان‌های اطراف آن تنها کانون مبارزه نبود. جنایتی که مأموران شهربانی مقابل مسجد قزلی مرتکب شدند به شکلی دیگر مقابل باغ گلستان رخ داد و یکی از اهالی شهر مورد ضرب و شتم افراد پلیس قرار گرفت. جمعیتی گرد هم آمدند و به پلیس اعتراض کردند و بلافاصله درگیری بین پلیس و مردم آغاز شد. متعاقب آن در جلوی مسجد جامع نیز بین مردم و عوامل انتظامی درگیری پیش آمد. جریان این‌گونه بود که عده‌ای از بازاریان و طلاب مدرسه جامع مقابل مسجد جامع تجمع کرده بودند و قصد داشتند به صورت دسته‌جمعی

به طرف مسجد میرزا یوسف - واقع در اول بازار - حرکت کنند که مأموران از حرکت آنها جلوگیری کردند و در نتیجه درگیری آغاز شد.^۲ بدین ترتیب دسته‌های مردمی از گوشه گوشه ها به راه افتاد تا به گروهی بپیوندند که جرعه قیام توسط آنها زده شده بود. توده‌های مردم در نقاط مختلف شهر در مسیر خود شیشه بانک‌ها و ادارات را می شکستند. در این سوی، مردم همراه جنازه تجلاً که هر لحظه بر تعدادشان افزوده می‌شد و خشم و نفرتشان بیشتر می‌گشت به سمت خیابان فردوسی به راه افتادند و در بین راه شیشه بانک‌ها را

۱. رحیم نیکبخت، همان، ص ۷۴۱، ۷۴۲.

۲. تبریز در انقلاب، همان، ۲۲۸، ۲۲۹.

شکستند و هر جا عکسی از شاه دیدند آن را پایین آوردند و پاره کردند و سوزاندند. عوامل رژیم جلودار مردم خشمگین نبودند و از همان ساعت‌های اولیه پس از اندک مقاومت‌هایی به مقرهای خود پناه بردند. تشییع‌کنندگان در خیابان پهلوی و چهار راه شهناز، به سینماها و مشروب‌فروشی‌های زیادی حمله کردند. در بررسی مراکزی که مورد حمله مردم قرار گرفت، آمار بانک‌ها بیش از مراکز دیگر است. جمعیت در طول مسیر خود بانک‌های واقع در خیابان‌های منجم، حکم‌آباد، خیام، فلکه باغ گلستان، ملل متحد، شهناز شمالی، امین، پهلوی، کورش، ششگلان، ثقة‌الاسلام، شمس تبریزی، شهرداری، دارایی، چهارراه منصور، آبرسانی، میدان قطب، ثریا، شاهپور شمالی، میدان قیام، نادر و... را به آتش کشیدند. این موضوع نشان می‌دهد که هدف مردم بیشتر انهدام مظاهر و مراکز دولتی بوده است. آنان آسیبی به مراکز و اماکن مردمی و بازار نرساندند و حتی به ریالی از پول‌های بانک‌ها دست نزدند. این موضوع که بعدها تعجب عوامل رژیم را برانگیخته بود از وجود همفکری و ارتباط پنهان میان تظاهرکنندگان نشان داشت.^۱

تظاهرات و راهپیمایی همراه با به آتش کشیدن بانک‌ها و مراکز فساد چند ساعت به طول انجامید و مردم خشمگین در طول مسیر در جریان خشم انقلابی خود علاوه بر بانک‌ها، به ساختمان حزب رستاخیز ایران و کاخ جوانان نیز یورش بردند. آنان در جریان تظاهرات شعارهایی این چنین می‌دادند:

یاشاسین خمینی (دروود بر خمینی)، بیز بوشاهی ایستمیروخ والسلام (ما این شاه را

نمی‌خواهیم).

برخی معتقدند که برای اولین بار در این قیام بود که شعار درود بر خمینی و مرگ بر شاه سر داده شد، اما این واقعیت ندارد. مردم در مراسم ختم شهید حاج سید مصطفی خمینی، فراوان از امام یاد می‌کردند و به نام او شعار می‌دادند. نیروهای رژیم هم قادر به مهار موج

خروشان ملت نبودند و عقب‌نشینی می‌کردند. با وجود قهرآمیز بودن قیام مردم، نظم خاصی بر حرکت توفنده آنها حاکم بود.



امام و شهید قاضی طباطبایی (پس از آزادی امام از زندان، فروردین ۱۳۴۳)

آیت‌الله قاضی که رهبری قیام را برعهده داشت از دانشجویان خواسته بود بر قیام تسلط داشته باشند و نگذارند به مدارس، بیمارستان‌ها، اماکن مردمی و اموال عمومی آسیبی برسد. لذا دانشجویان در هدایت و سازماندهی این خیزش مردمی تأثیر بسزایی داشتند.^۱ شهر تبریز تا ظهر روز شنبه عملاً در دست مردم بود. حتی رئیس شهربانی در جلسه شورای هماهنگی - که در ساعت ۱۱ آن روز تشکیل شد - اعتراف کرد که نمی‌توان جلوی تظاهرات مردم را گرفت. آنان به تیرهای هوایی توجهی ندارند و عده‌ای از افسران و مأموران

را زخمی کرده‌اند. در چنین شرایطی، وضعیت بحرانی شهر از طریق نخست‌وزیر به آگاهی محمدرضا پهلوی رسید و او بلافاصله دستورهایی داد. بر همین اساس ساعت ۳۰: ۱۲ ارتش وارد شهر شد و به نیروهای تابع یگان‌های تیپ مرنند و گردان مراغه دستور داده شد در خیابان‌های اصلی شهر مستقر شوند. برای نمایش قدرت و به وحشت انداختن مردم نیز قرار شد دو دستگاه تانک چیفتن، یک دستگاه تانک اسکورپین و دو دستگاه نفربر مقابل استانداری و بانک ملی مرکزی بایستند. با ورود ارتش، شهربانی تحت امر نظامیان قرار گرفت. آن روز حکومت نظامی اعلام نشد اما آرایش نظامی چنین تصویری را در اذهان مردم به وجود آورد.^۱ مردم همچنان تا ساعت ۳۰: ۱۷ تظاهرات را ادامه دادند اما حرکت‌های بعد از ظهر مثل صبح نبود. سرانجام با تلاش علما و روحانیون به ویژه آیت‌الله قاضی طباطبایی آرامش برقرار شد و نیروهای رژیم به وسیله جرتقیل‌های ارتشی، خودروهای سوخته را از خیابان‌ها جمع‌آوری کردند.^۲ فضای خیابان‌ها نیز توسط دیگر عوامل پاکسازی شد.

◆ شهدا و مجروحان قیام

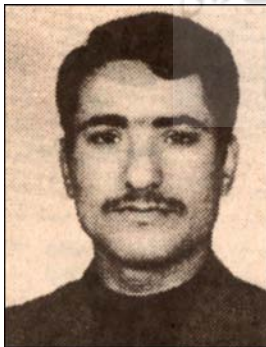
در دوران انقلاب، در جریان درگیری مردم با عوامل مسلح رژیم، بر جای ماندن ده‌ها شهید و مجروح امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر بود اما عوامل رژیم در هر حادثه‌ای می‌کوشیدند اهمیت واقعه را تنزل دهند و تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها را کمتر از تعداد واقعی اعلام کنند؛ در قیام ۲۹ بهمن نیز چنین شد. در برخی منابع رسمی رژیم از جمله کیهان تعداد کشته‌شدگان شش تا نه نفر ذکر شد. روزنامه رستاخیز نیز با درج این خبر که «مارکسیست‌های اسلامی با دادن شعارهای کمونیستی تمام تأسیسات شهری را مورد حمله قرار دادند» ضمن نام بردن از انقلابیون به عنوان مارکسیست‌های اسلامی آمار روزنامه‌های کیهان و اطلاعات را تأیید کرد

۱. تبریز در انقلاب، همان، ۲۳۸، ۲۳۹.

۲. رحیم نیکبخت، همان، ۲۵۴.

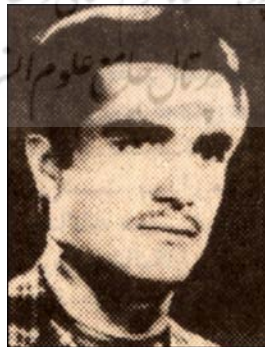
که صحیح نبود.

بعضی منابع نیز با توجه به ابعاد و وسعت قیام و کشتاری که نیروهای امنیتی و مأموران ساواک به راه انداخته بودند تعداد کشته‌ها را بیش از پانصد نفر ذکر کرده‌اند که واقعی نبود. برخی منابع نیز آمار زخمی‌ها را ۱۲۵ نفر ذکر کرده‌اند.^۱ واقعیت امر آن است که کشته‌شدگان آن روز با تیر ساواکی‌ها به شهادت رسیدند. عوامل شهربانی کمتر به سوی مردم تیر مستقیم می‌زدند و اغلب تیر هوایی شلیک می‌کردند. بعد از ظهر آن روز هم فردی توسط ارتش به شهادت نرسید. با این توضیحات شهادت شش تن در آن روز و هشت تن دیگر در روزهای بعد بر اثر جراحات روز ۲۹ بهمن به واقعیت نزدیک‌تر است. این نکته نیز درخور ذکر است که آمار دقیق شهدا به دست نیامد. درباره مجروحان حادثه نیز آمار هیأت ویژه رسیدگی به حادثه تبریز ۱۱۸ نفر و آمار منابع دیگر ۵۰۰ نفر بوده است. در روزهای بعد نیز رژیم به دستگیری عوامل تظاهرات اقدام کرد که این آمار بین ۵۰۰ تا ۶۷۷ نفر ذکر شده است. در اینجا نام و مشخصات شهدای قیام ۲۹ بهمن تبریز را می‌آوریم:



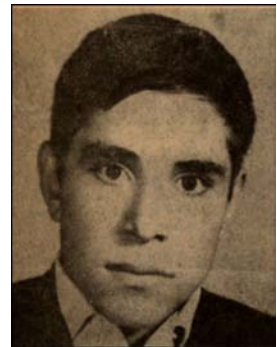
محمد تجاللا

۲۲ ساله، متولد اردبیل،
دانشجوی سال سوم
رشته مهندسی



بهمن اره‌چی

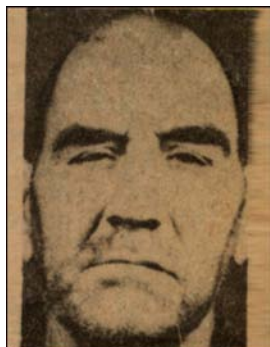
۱۸ ساله، متولد تبریز،
کارگر ابزار فروشی



پرویز احسن‌زاده کلجاهی

۲۷ ساله، متولد تهران،
متأهل، دکورساز، مدفون
در قبرستان وزیر آباد

۱. حماسه ۲۹ بهمن تبریز، ۱۴، ۱۵.



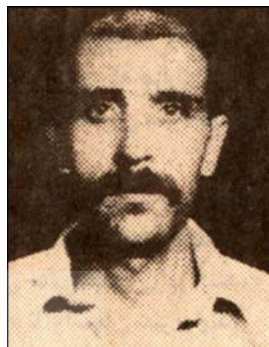
جعفر درگاهی

۶۵ ساله، متولد کندرود،
متاهل، کشاورز، مدفون
در روستای کندرود



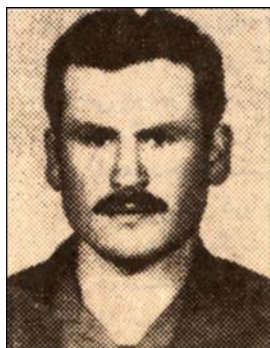
سید حسن جدیدی گلابی

۲۲ ساله، متولد تبریز،
کارگر مسافرخانه



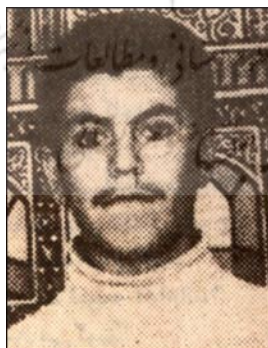
محمد جبرائیلی

۳۰ ساله، متولد اهر،
متاهل، کارگر
قبریت‌سازی، مدفون در
قبرستان شتربان



سعید صالح الوندی

۳۸ ساله، متولد تبریز،
متاهل، معمار



قربانعلی شاکری

۱۹ ساله، متولد تبریز،
کارگر قالی‌بافی، مدفون
در قبرستان قم تپه

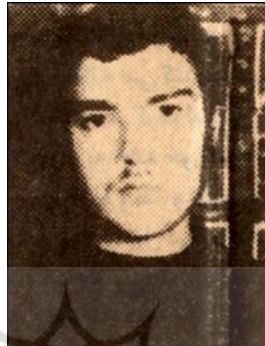


محمدباقر رنجبر آذرغام

۲۲ ساله، متولد تبریز،
دانشجوی سال چهارم
فلسفه، مدفون در
قبرستان حجتی



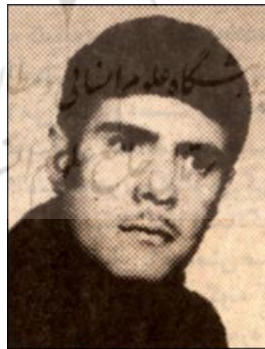
بالا آقا کشاورزی قازانجانی
 ۴۸ ساله، متولد روستای
 قازانچی (هشتروند)،
 کارگر



ضربعلی فتحی
 ۱۸ ساله، متولد ورزقان،
 قالی‌باف، مدفون در
 قبرستان حسینی



اصغر علی زاده شیخ احمدلو
 ۱۷ ساله، متولد تبریز،
 قالی‌باف، مدفون در
 قبرستان طوبی



غلامعلی نجفیان پور
 ۲۳ ساله، متولد اهر،
 قالیباف.



حبیب نقی نژاد
 ۱۵ ساله، متولد تبریز،
 دانش‌آموز اول راهنمایی،
 مدفون در قبرستان
 قم تپه

وارد آورد و از بازتاب خارجی وسیعی برخوردار گشت، تا مدت‌ها رژیم را به خود مشغول داشت و از سوی دیگر جایگاه شهر تبریز را با توجه به اهمیت تاریخی آن در دیگر فرازهای مبارزاتی ایران شاخص‌تر نمود.^۱ ضربه‌ای که رژیم شاه از این قیام خورد بسیار مؤثر و غیر منتظره بود و روند حوادث انقلاب را برای رسیدن به پیروزی چندین گام جلوتر برد. به دنبال آن، حوادث دیگری با الهام از قیام ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ تبریز صورت گرفت که پیروزی انقلاب را

سرعت بخشید. به دنبال این حادثه علما و روحانیون داخل و خارج کشور با بیانیه‌ها و اعلامیه‌های متعدد اقدام رژیم را در سرکوبی مردم بی‌گناه محکوم کردند. امام خمینی نیز در ۸ اسفند ۱۳۵۶ پیامی برای مردم غیور آذربایجان ارسال داشتند که در آن ضمن تقدیر از قیام «مردان برومند و جوانان غیرتمند تبریز» اقدام رژیم را به شدت محکوم کردند.^۲

چند روز پس از قیام ۲۹ بهمن، از سوی محمدرضا پهلوی هیأت ویژه‌ای برای رسیدگی به حوادث تبریز به سرپرستی

قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ از آنجا که به نهادهای اصلی رژیم ضربات سنگینی وارد آورد و از بازتاب خارجی وسیعی برخوردار گشت، تا مدت‌ها رژیم را به خود مشغول داشت و از سوی دیگر جایگاه شهر تبریز را با توجه به اهمیت تاریخی آن در دیگر فرازهای مبارزاتی ایران شاخص‌تر نمود.

ارتشبد شفقت وارد تبریز شد. این هیأت پس از برگزاری جلسات متعدد با ریش‌سفیدان تبریز و نیز پس از آگاهی از نظریات علما و روحانیان تبریز درباره حادثه بهمن، گزارش ویژه‌ای تهیه کردند که کامل‌ترین مطلب تهیه شده توسط رژیم شاه درباره حادثه تبریز است. گزارش مزبور

۱. موحد، دو سال آخر رژیم تا انقلاب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۰۱.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۵۳.

گرچه تمامی حقایق را در خود انعکاس نداده و برخی حقایق را نیز قلب کرده است اما از جهات بسیاری تأمل‌انگیز است که متن آن در پی می‌آید:


ستاد بزرگ ارتشاران

شماره ۹-۹-۱۱
 تاریخ ۱۳۵۶/۱۲/۱

انر..... ارتشید. شفقت. جان‌شمن. رئیس. ستاد بزرگ ارتشاران.

بسم

تیمسار ریاست ستاد بزرگ ارتشاران

گزارش

مقام عالی و آگاه میسازم:

در راه ای فرمان طاع مبارک اطه حضرت همان شاهنشاه آریابهر بزرگ ارتشاران که شفاها^۱ ابلاغ فرمودید هیئت سیزده^۲ رسیدگی به حادثه روز ۲۹/۱۲/۳۶ شهر تبریز در تاریخ ۳۶/۱۲/۱ بان شهر منیت و پس از انجام ماموریت در ۶/۱۲/۳۶ به تهران مراجعت نمود.

اینکه نتیجه رسیدگی را به پیوسته نامم بردارد ...

جانشمن رئیس ستاد بزرگ ارتشاران

فرشید غریب‌نگار

۱- در گزارش بار بار ذکر شده است که در روز ۲۹/۱۲/۳۶ در تبریز ...
 ۲- در روز ۲۹/۱۲/۳۶ در تبریز ...
 ۳- در تاریخ ۳۶/۱۲/۳۶ در تبریز ...
 ۴- در تاریخ ۳۶/۱۲/۳۶ در تبریز ...
 ۵- در تاریخ ۳۶/۱۲/۳۶ در تبریز ...

◆ گزارش نتیجه رسیدگی به حادثه روز ۲۹/۱۲/۳۶ شهر تبریز

الف. مسائل و حوادث قبل از روز ۲۹/۱۲/۳۶

بعد از حادثه روزهای ۱۸ و ۱۹ سال جاری شهر قم و انتشار اعلامیه شریعتمداری در

این زمینه و تعطیل حوزه‌های علوم دینی فرصت مناسبی به دست طلاب و وعاظ اخلاگر به ویژه طرفداران خمینی داد تا در میان مردم به تحریکات بپردازند. از جمله در شهرهای مختلف آذربایجان شرقی نیز تحت نام نمایندگان آیت‌الله شریعتمداری (که در این منطقه از نفوذ قابل توجهی برخوردار است) به تبلیغ و تحریک پرداختند. ضمناً تعدادی نوار سخنرانی شریعتمداری مربوط به حادثه قم که در پایان به گریه وی منتهی می‌شود در بین مردم توزیع شده بود.

گزارش‌های متعددی از سازمان‌های اطلاعاتی و انتظامی منطقه مشاهده گردید که مبین توزیع وسیع اعلامیه‌های تحریک‌آمیز از جمله اعلامیه شریعتمداری طی یک ماه اخیر بود و نشان می‌داد که در کنار توزیع گسترده اعلامیه‌ها، وعاظ و طلاب نیز در منابر به تحریک مردم پرداخته و به این ترتیب به مقیاس قابل ملاحظه‌ای آمادگی ذهنی در مردم به وجود آمده بود.

از سوی دیگر برخی نارسایی‌های اداری و اجتماعی در آذربایجان شرقی به خصوص در شهر تبریز (در موقع، مورد اشاره قرار خواهد گرفت) زمینه مناسبی را در گروه‌هایی از مردم منطقه برای آسیب‌پذیری ایجاد نمود. لذا سرانجام در ۳۶/۱۱/۲۵ شریعتمداری و دیگر روحانیون در اعلامیه‌های نسبتاً شدیدالحنی که صادر کردند، اعلام نمودند که روز ۳۶/۱۱/۲۹ به مناسبت حادثه قم روز عزای عمومی است و حوزه‌های درس به این مناسبت تعطیل است. انتشار این اعلامیه، همچنین فرصت مغتنم دیگری بود که طی آن عناصر فرصت‌طلب به بهره‌برداری در جهت مقاصد خود بپردازند.

بدیهی است در این میان عناصر کمونیست و مارکسیست‌های اسلامی و دیگر عوامل منحرف و مخرب نیز به فکر افتادند تا از فرصت پیش آمده حداکثر استفاده ممکن را به عمل آورند لذا به تلاش پرداختند.

تعطیل عمومی بازار یکی از بهترین ابزارهای بود که می‌توانست جالب توجه عموم باشد. لذا تعطیل عمومی بازار به شیوه‌های سنتی مورد توجه واقع و روحانیون تبریز در اعلامیه‌ای که در تاریخ ۳۶/۱۱/۲۶ منتشر کردند، ضمن [اعلام] روز ۳۶/۱۱/۲۹ به

عنوان روز چهلم کشته‌شدگان حادثه قم تأکید نمودند که اهالی با تعطیل مغازه‌ها و دکان‌ها در بازار و خیابان‌ها، در مسجد حاج میرزا یوسف مجتهد، واقع در بازار تبریز در مجلسی که به این مناسبت برگزار خواهد شد شرکت کنند.

از جانب دیگر عوامل منحرف و وابستگان به گروه‌های مخرب در دانشگاه آذربادگان در بین دانشجویان و میان توده‌های مردم به تحریک پرداختند. با مراجعه به کسبه آنها را تهدید و ترغیب به تعطیل مغازه‌های خود در روز ۳۶/۱۱/۲۹ نمودند. ضمناً در روزهای ۲۷ و ۳۶/۱۱/۲۸ به خصوص، در دانشگاه آذربادگان شعارهای متعددی در مورد تعطیل شنبه ۳۶/۱۱/۲۹ به درب و دیوار نوشته و در آخرین ساعات روز ۳۶/۱۱/۲۸ اعلامیه‌ای که با جوهر قرمز و دست‌نویس بوده در تبریز توزیع شد که متن آن با اعلامیه‌های قبلی که در رابطه با تعطیل روز شنبه ۳۶/۱۱/۲۹ تفاوت کلی داشت. در این اعلامیه ضمن اهانت به مقدسات ملی مطالبی درباره تشویق مردم به مبارزه با رژیم کثور درج شده بود.

ضمناً به استحضار می‌رساند در کنار عوامل معروض در فوق، عامل نارضایی نسبی مردم از برخی سازمان‌های دولتی نیز باید در رابطه با آمادگی تعدادی از اهالی برای تحریک‌پذیری و بی‌تفاوتی آنها به مصالح مملکت مورد توجه قرار گیرد.

بدین‌ترتیب با کوشش‌هایی که از جهات مختلف که ابتدا از جانب عوامل و محافل افراطی مذهبی برای آماده ساختن مردم صورت گرفته بود بعداً توسط عوامل کمونیست و دیگر عناصر اخلاک‌گرا تکامل یافته بود، در روز ۲۵۳۶/۱۱/۲۹ بروز حوادث کوچکی، سبب ایجاد یک آشوب همه‌گیر و سریع در سطح شهر تبریز گردید.

در مقابل، عوامل انتظامی و اطلاعاتی استان آذربایجان شرقی، این سیر تحول و تکامل همه‌جانبه اقدامات و نیات عناصر آشوب‌طلب را چنان که باید مورد تعقیب و ارزیابی دقیق قرار نداده و موضوع تنها از دید انجام یک مراسم مذهبی ساده (تجمع در مساجد) و احیاناً شکستن چند شیشه از مغازه‌ها به وسیله تظاهرکنندگان در خیابان‌ها برآورد کرده و اقدامات احتیاطی خود را تنها در این سطح پیش‌بینی نموده بودند.

۲. وضعیت کلی در آغاز روز ۳۶/۱۱/۲۹ دانشگاه آذربادگان اگر چه رسماً تعطیل نبوده ولی حدود ۵۰٪ دانشجویان از حضور در دانشگاه خودداری نموده بودند. آن عده نیز که در دانشگاه حضور داشته‌اند دو دسته بوده‌اند؛ یک دسته در سر کلاس‌های درس حاضر شده و دسته دیگر که تعداد آنها نسبتاً معدود بود از ساعت ۹:۰۰ به آشوب‌گری، دادن شعارها و شکستن شیشه‌های ساختمان در داخل دانشگاه پرداخته و کلاس‌های تشکیل شده را تعطیل نمودند.

متعاقباً بین ساعت ۱۰:۰۰ تا ۱۱:۰۰ پس از شکستن شیشه‌ها و آتش زدن کیوسک گارد دانشگاه، در حالی که از طریق کندن چوب‌های کنار باغچه‌ها و شکستن درخت‌های دانشگاه چوب‌هایی به دست آورده بودند، از دانشگاه خارج و به طرف شهر حرکت کرده‌اند.

به این ترتیب دانشجویان دانشگاه عملاً از ساعت ۹:۳۰ در کلاس‌های درس نبوده و تعدادی از دانشجویان اخلاگر در سطح شهر پراکنده بوده‌اند.

بازار تبریز و مغازه‌های خیابان‌ها (به استثنای معدوی مغازه‌های نانوايي و اغذیه‌فروشی خیابان‌ها) تعطیل بوده، با وجودی که تعدادی از کسبه در کنار دکاکین خود حضور داشته‌اند، مع‌هذا در گشودن مغازه‌های کسب خویش مردد بوده و وحشت داشته‌اند.

۳. طبق اعلامیه روحانیون تبریز قرار بوده از ساعت ۱۰:۰۰ تا ۱۲:۰۰ روز ۲۹ بهمن ماه در مسجد حاج میرزا یوسف واقع در سر بازار مجلس یادبود برگزار گردد. مردم در حدود ساعت ۸:۰۰ شروع به حرکت به طرف مسجد نموده و به علت بسته بودن درب آن ناچار در مقابل مسجد متوقف و تجمع می‌نمایند. طبق تحقیقاتی که به عمل آمد مسئول باز نکردن درب مسجد، سرایدار آن بوده که نتوانسته است به موقع خود را به مسجد برساند.

شایعات اینکه درب مسجد توسط مأموران شهربانی بسته بوده است و در نامه علمای شهر تبریز که به رئیس هیأت بازرسی تسلیم شده به آن اشاره شده بود طبق

تحقیقاتی که به عمل آمد به ثبوت نرسید.

۴. مؤسسات آموزشی (دبیرستانی و دبستان تبریز) در روز مزبور باز بوده و فعالیت تحصیلی ادامه داشته است.

۵. اعلامیه‌های شریعتمداری در شهرهای استان آذربایجان شرقی به طور وسیع پخش شده و در شهرهای مختلف این استان مغازه‌ها به طور نسبی تعطیل بوده، اما اعلامیه روحانیون تبریز به این شهرستان‌ها نرسیده بود. فقط در حومه و دهات اطراف تبریز منتشر شده است. ضمناً افراد ناشناسی مردم حومه و دهات را از تعطیل عمومی تبریز آگاه و آنها را از اوایل صبح روز ۳۶/۱۱/۲۹ تشویق عزیمت به شهر و شرکت در مجالس ترحیم می‌کردند.

۶. در محدوده اطراف شهر تبریز به خصوص در منطقه واقع در دامنه کوه عون بن علی تعداد کثیری زندگی می‌نمایند که عموماً از روستاها به شهر کوچ کرده و از لحاظ معیشت و امکانات رفاهی وضع مناسبی ندارند. در میان آنها افراد تحریک‌پذیر فراوان است. این گروه نیز در روز ۳۶/۱۱/۲۹ ترغیب شده بودند که به داخل شهر وارد شوند.

۷. بر مبنای تأثیری که انتشار اعلامیه‌های روحانیون در مردم قشری داشته فعالیت‌های ساختمانی در اطراف و شهر تبریز تعطیل و کارگران ساختمانی بیکار و پراکنده بوده‌اند. به این عده می‌بایستی کارگران مؤسسات خصوصی از قبیل مغازه‌ها، تعمیرگاه‌های اتومبیل و کارگاه‌های فرش‌بافی و سایر صنوف را اضافه نمود.

به این ترتیب صرف نظر از آمادگی ذهنی که از مدتی قبل به وسیله توزیع اعلامیه‌های روحانیون و همچنین گفتار و عاظ و طلاب افراطی و اخلاکر و چه توسط عناصر وابسته به سازمان‌ها و گروه‌های آشوب‌طلب و منحرف به وجود آمده بود، از نظر سرگردانی گروه‌های زیادی از مردم و تعطیل عمومی و پراکنده بودن طبقات کارگر و کسبه و شاگردان مغازه‌ها در سطح شهر، جمعیت لازم برای تحریک شدن و جهت یافتن برای اقدامات آشوب‌گرانه در دسترس بوده است.

با وضعیتی که در بالا به استحضار رسید، می‌توان مجسم نمود که با آمادگی قابل

توجهی که به شرح فوق وجود داشته، چگونه فرصت مناسبی به وجود آمده که عناصر گروه‌های خرابکار و کمونیست نیز برای بهره‌برداری از شرایط فوق آماده و اقدام نمایند و به همین جهت است که در جریان رویدادهای اخلاک‌گراانه از بطری‌های آتش‌زا و پاکت‌های محتوی مواد تشدید کننده آتش استفاده شده است و از طرف دیگر تخریب و به آتش کشیده شدن مؤسسات خاصی تقریباً از پیش تعیین گردیده و انجام یافته است.

(این مؤسسات عبارت‌اند از: بانک‌ها، ساختمان حزب رستاخیز ملت ایران، خانه جوانان، تعدادی مغازه اغذیه و مشروب‌فروشی، تعدادی از سینماها و یک یا دو هتل) و این خود قرینه است بر حضور گروه‌های خرابکار و کمونیست در متن حوادث مورد نظر.

ب. حوادث روز ۳۶/۱۱/۲۹

۱. از ساعت ۳۰: ۸ افراد طبقات مختلف بازاری و متعصبین مذهبی و دیگر مردم از نقاط مختلف شهر به سوی بازار و مساجد از جمله مسجد حاجی میرزا یوسف حرکت کرده‌اند و در مسیر این حرکت جمعیتی در حدود یک‌هزار نفر از غرب شهر تبریز در مقابل باغ گلستان با مأموران شهربانی برخورد که منجر به تیراندازی دو تیر هوایی از طرف پلیس می‌گردد ولی در اثر فشار مردم، مأموران شهربانی موفق به جلوگیری از حرکت آنان نمی‌گردند.

۲. در حدود ساعت ۹: ۰۰ گروه دیگری در جلوی مسجد میرزا یوسف با مشاهده بسته بودن درب مسجد به اعتراض پرداخته و با مأموران شهربانی که در محل قرار گرفته بودند برخورد می‌نمایند و رئیس کلانتری ۶ تبریز (سرگرد حق‌شناس که فاقد وجهه خوب در بین مردم می‌باشد) مبادرت به ادای کلمات موهن توأم با بی‌تدبیری می‌نماید که در تهییج و عصبانیت مردم مؤثر بوده است، در نتیجه سرگرد حق‌شناس و یک نفر از افسران دیگر شهربانی مضروب می‌شوند و یک تیر هوایی نیز شلیک می‌گردد.

۳. وقایع مزبور موجب می‌شود که اولاً خبر این برخورد به سرعت به سایر گروه‌های مردم که در نقاط دیگر شهر به حرکت درآمده بودند رسیده و به ادامه اعمال خشونت‌آمیز خود تشویق شوند. ثانیاً مأموران شهربانی و کلانتری ۶ بازار که خود را از لحاظ تعداد قادر به مقابله با تظاهرکنندگان نمی‌بینند، آنها را رها کرده و در فکر حفظ خود و سلاح مربوطه بوده‌اند.

۴. مقارن ساعت ۹:۳۰ آشوب و خرابکاری در منطقه حوالی بازار، خیابان کوروش و برخی دیگر از خیابان‌های نزدیک بازار شروع شده و جمعیت تظاهرکننده در خیابان‌ها به شکستن شیشه‌های بانک‌ها و مغازه‌های معدودی که به طور پراکنده باز بوده‌اند مبادرت می‌نمایند.

۵. با گسترش اقدامات خرابکارانه در منطقه مرکزی شهر در حدود ساعت ۹:۳۰ از طرف رئیس شهربانی به مأموران مستقر در شهر دستور داده می‌شود که به کلانتری‌های مربوطه مراجعه و به محافظت از کلانتری‌ها بپردازند. در نتیجه تعدادی از مأموران از جمله مأموران منطقه بازار، صحنه را ترک نموده؛ عده‌ای به کلانتری‌های مربوطه و معدودی نیز به نقاط نامعلومی می‌روند.

اما گروه دیگری از مأموران از جمله عوامل کلانتری‌های ۱، ۲، ۴ و ۵ (که منطقه استحفاظی آنها کمتر مورد فعالیت تظاهرکنندگان بوده) اکثراً در مناطق مربوطه خود باقی و از نقاط حساس منطقه مزبور حفاظت می‌نمایند.

۶. بدین ترتیب در حدود ساعت ۱۰:۰۰ دامنه آشوب و خرابکاری در سطح شهر بالا می‌گیرد و به سازمان‌های مختلف دولتی و مؤسسات خصوصی وحشت مستولی با تقاضای کمک اضطراب عمومی را تشدید می‌نمایند.

تظاهرکنندگانی که در این لحظات در خیابان‌های پهلوی، دارایی، کوروش، تربیت، شهباز، میدان قیام و خیابان شمس تبریزی به آشوب و شکستن شیشه‌های شعب بانک‌ها مشغول بوده‌اند، با مشاهده نبودن مأموران انتظامی در مقابل خود تدریجاً جری‌تر شده و به غارت بعضی از اماکن می‌پردازند و در نتیجه از حدود ساعت ۱۰:۳۰

آتش زدن ساختمان حزب، سینماها، بعضی از بانکها توسط آشوبگران آغاز می‌شود.
 ۷. مقارن ساعت ۱۱:۳۰ دسته ژاندارمری که جهت کمک مورد تقاضای رئیس
 شهربانی بود خود را به شهربانی معرفی می‌نماید و حضور این دسته گرچه در
 برقراری نظم در میدان قیام تا حدودی جلوگیری می‌نماید ولی در پایین آوردن سطح
 تشنج در شهر اثری نمی‌کند.

۸. بنا به تقاضای شهربانی از ساعت ۱۲:۳۰ به بعد یگان‌های ارتشی به تدریج به
 شهر وارد و نقاط حساس شهر را در اختیار گرفته و به حفاظت نقاط مزبور و اعاده نظم
 می‌پردازند.

۹. رئیس شهربانی استان پس از صدور دستور تجمع افراد پلیس در کلانتری‌های
 مربوطه (در ساعت ۹:۳۰) پس از اینکه از ژاندارمری تقاضای کمک می‌نماید و سپس به
 اتفاق رئیس دایره اطلاعات شهربانی (سروان احمدی) به طرف ستاد فرمانده نظامی
 منطقه حرکت و در دفتر مشارالیه حضور به هم می‌رساند.

در این موقع استاندار از فرمانده نظامی منطقه تقاضای کمک و حتی اعزام تانک به
 شهر می‌نماید که سریعا اعزام می‌گردد و حضور تانکها در محل‌های مورد تأیید، مؤثر
 بوده و سبب تفرقه تظاهرکنندگان در آن نقاط می‌گردد.

رئیس شهربانی در ساعت ۱۰:۰۰ به اتفاق فرمانده نظامی منطقه از ستاد مراکز
 آموزش پشتیبانی به استانداری عزیمت و در آنجا با تشریح وخامت وضع شهر و
 اعلام عدم توانایی در کنترل اوضاع تقاضای تشکیل شورای هماهنگی می‌نماید.

در ساعت ۱۱:۳۰ متعاقب حضور اعضای شورای هماهنگی این شورا تشکیل و عملا
 حفاظت از شهر و برقراری نظم به عهده فرمانده نظامی منطقه محول می‌گردد.

بدین ترتیب از ساعت ۹:۳۰ الی ۱۲:۳۰ که فرمانده نظامی منطقه عملا کنترل شهر را
 به عهده گرفته و شهربانی را نیز زیر امر خود قرار می‌دهد حفظ نظم شهر تبریز از
 فرماندهی و مرکزیت اداره محروم بوده و در عرض همین مدت آشوبگران آزادانه
 مبادرت به اعمال خرابکارانه خود می‌نمایند.

۱۰. بالاخره نیروهای نظامی که از ساعت ۱۲:۳۰ وارد عمل شده بودند موفق می‌شوند در ساعت ۱۷:۳۰ آشوبگران را منکوب و مقارن ساعت ۱۸:۰۰ وضع شهر آرام می‌شود.

پ. اقدامات سازمان‌های مسئول:

۱. استانداری:

استاندار آذربایجان شرقی در تاریخ ۳۶/۱۱/۱۹ برای اولین بار در جلسه شورای هماهنگی اطلاعاتی شرکت می‌کند (طبق اظهار استاندار قبل از آن تاریخ در جریان رویدادهای امنیتی و اطلاعاتی منطقه به طور کامل نبوده است) و در مورد تأمین وسایل و تسهیلات رفاهی استان به ویژه شهرستان تبریز مطالبی ایراد و اظهار می‌داد که در مورد اجرای قوانین و جلوگیری از اعمال خلاف رویه و اقدامات برخلاف مصالح امنیت مملکت دستگاه‌های انتظامی اقدام قاطع نمایند. و همچنین به عناصر انتظامی و امنیتی در مورد تکمیل پرسنل و وسایل و تقویت روحیه آنان دستورات لازم را می‌دهد. در روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ که استاندار برای بازدید به دشت مغان رفته بودند اطلاعیه‌های واصله از شهربانی و ساواک به استانداری را مبنی بر احتمال بروز حوادث اخلاک‌گراانه و تعطیل عمومی تلفنی توسط فرماندار مطلع می‌شود که جواباً تلفنی دستورات لازم برای اتخاذ تدابیر کافی به مسئولین امور انتظامی و امنیتی توسط فرماندار داده است.

استاندار در غروب روز ۳۶/۱۱/۲۸ به شهر تبریز مراجعت می‌نماید و ضمن تماس تلفنی با رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور، در مورد برنامه برقراری مراسم مذهبی در مساجد در روز ۳۶/۱۱/۲۹ کسب نظر نماید که ایشان در جواب اظهار می‌دارند که تجمع در مساجد آزاد بوده ولی تظاهرات خیابانی ممنوع است و این موضوع به مسئول ذیربط ابلاغ می‌گردد.

استاندار برای تسریع در اختیار قرار گرفتن نیروی کمکی نظامی (در بدو امر یک

گردان و بعد تا یک تیپ) با فرمانده نیروی زمینی شاهنشاهی تماس حاصل می‌نماید که در این مورد نیز نیروی زمینی شاهنشاهی از طریق ستاد بزرگ ارتشستاران با کسب اجازه از پیشگاه مبارک ملوکانه اقدام لازم را معمول می‌دارد.

استاندار ضمناً از آقای نخست‌وزیر تقاضای اعلام حکومت نظامی می‌کند جواباً آقای نخست‌وزیر فرمان شاهنشاه را در این مورد بدین شرح ابلاغ می‌نماید:

«حکومت نظامی نه ولی با قدرت عمل کنید. واحدهای نظامی در اختیار استاندار است با قدرت عمل نماید.»

۲. حزب رستاخیز ملت ایران:

حزب در شهر تبریز از استحکام و قوام لازم برخوردار نمی‌باشد و در حال حاضر نیز فاقد دبیر کل است. در این ماجرا نیز مورد استفاده قرار نگرفته و فعالیتی انجام نداده است و ساختمان آن نیز مورد تهاجم و آتش‌سوزی اخلالگران قرار گرفته و اموال آن به یغما می‌رود.

۳. ساواک استان:

استنباط از اقدامات سازمان اطلاعات و امنیت استان آذربایجان شرقی آن است که اگر چه این سازمان وضع را در روز ۳۶/۱۱/۲۹ غیر عادی پیش‌بینی کرده است مع‌هذا وسعت و عمق حادثه را به کیفیتی که واقع شده برآورد نکرده و حداکثر آن را در حد تعطیل بازار و دادن شعارهای مضره، شکستن تعدادی شیشه و تظاهرات خیابانی پراکنده احتمال داده است.

در روز حادثه (۳۶/۱۱/۲۹) مسئولین ساواک آذربایجان شرقی بر اساس مشاهده شخصی و گزارشات منابع از همان ساعات‌های اول متوجه غیر عادی بودن جریان و وسعت نسبی حادثه شده‌اند. اما به قراری که اظهار می‌دارند از ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۴۵ موفق به برقراری تماس با مسئولین اطلاعات شهربانی نشده‌اند. بعداً که تماس می‌گیرد افسر اطلاعات شهربانی اظهار می‌دارد خبری نیست.

ولی با اطلاعات عدیده‌ای که تماماً به شهربانی و ژاندارمری اعلام گردیده و نشانگر

حدوث وضعیت غیر عادی در روز ۲۵۳۶/۱۱/۲۹ بوده شایسته بود به شهرداری استان هشدار دهند که از نظر پیش‌بینی و مقابله با حوادث احتمالی اقدامات احتیاطی مخصوصی که با روزهای عادی فرق داشته باشد انجام دهند.

۴. شهرداری استان آذربایجان شرقی:

شهرداری استان از چند جهت در جریان حوادث غیر عادی در رابطه با فعالیت‌های متعصبین مذهبی بوده و از ساواک و از شهرداری مرکز نیز اطلاعات و دستورالعمل‌هایی دریافت نموده است و به طور قطع در جریان شایعات بین مردم شهر نیز بوده است. این اطلاعات عوامل و قرائن لزوماً می‌توانست مسئولین شهرداری را متوجه کند که با تدارکات و تبلیغاتی که برای روز ۳۶/۱۱/۲۹ صورت می‌گیرد طبعاً شهر وضع عادی نخواهد داشت و اتخاذ تدابیر فوق‌العاده برای مقابله با حوادث احتمالی آن روز ضروری است. اما مجموعه قرائن و تحقیقات نشان می‌دهد که شهرداری استان نتوانسته اخبار و اطلاعات واصله را تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری نموده و اهمیت موضوع را درک و بر آن مبنا پیش‌بینی و آمادگی لازم را در این زمینه به عمل آورد تا آن‌چنان که اتفاق افتاده ابتکار عمل را از دست نداده و غافلگیر نگردد تا آزادی عمل به دست عوامل منحرف و مخرب بیفتد.

شهرداری در هنگام بروز حوادث از دو عامل و وسیله مؤثر مشروحه زیر استفاده صحیح به عمل نیاورده:

- یگان ضد اغتشاش، که افراد آن را تقسیم و به صورت افراد عادی در بعضی از کلانتری‌ها از آنها استفاده به عمل آورده است با این ترتیب از این یگان استفاده‌ای که هدف از تشکیل آن بوده به عمل نیامده است.

- گاز اشک‌آور، عدم استفاده از گاز اشک‌آور.

۵. ژاندارمری استان آذربایجان شرقی:

اقدامات ژاندارمری در این حادثه محدود به واگذاری یک دسته کمک به شهرداری تبریز و گماردن یک دسته برای حفاظت کارخانجات ماشین‌سازی بوده است. ضمناً اطلاعات

واصله را به یگان‌های تابعه ابلاغ و در صورت لزوم به مرکز منعکس می‌نموده است. در مورد اینکه از حومه شهر تبریز و شهرهای دیگر و بنا به بعضی شایعات از رشت و تهران و حتی قم اشخاصی قبل از روز واقعه به تبریز وارد و در تظاهرات شرکت نموده‌اند، مسئولین امر و مردم شهر نیز با این موضوع تا حدودی واقف و اشاره می‌کردند. ولی در مورد صحت آن و نحوه و تاریخ ورود و تعداد آنان به شهر، ژاندارمری ناحیه به علت اینکه کنترل ورود و خروج مردم به داخل شهر معمول نبوده و جزو وظایف آن سازمان نمی‌باشد، نتوانست اطلاعات کافی در اختیار هیأت بگذارد ولی مقامات مسئول محلی برای روشن شدن موضوع، تحقیقات را ادامه می‌دهند و ضمناً احتمال وقوع چنین آمد و رفتی در شوراها و هماهنگی اطلاعاتی نیز مطرح نگردیده و مورد توجه قرار نگرفته است.

از نیروی پایداری تا حدودی استفاده اطلاعاتی به عمل آمده.

در مورد اجرای طرح سپینتا به عناصر مربوط هیچ‌گونه دستوری داده نشده است و حتی موقعی که اخلاگران به اداره دخانیات یورش برده‌اند پرسنل این سازمان در اجرای وظایف مربوط به علت نداشتن هر گونه وسیله، اقدامی به عمل نیاورده است و مهاجمین بدون کوچک‌ترین مقاومتی به سازمان‌های دخانیات، اوقاف، مسکن و شهرسازی، دارایی و امور اقتصادی، اداره کل کشاورزی استان خساراتی وارد آورده‌اند.

۶. نیروهای نظامی منطقه:

نیروهای نظامی منطقه از نظر قرار دادن نیروی مورد تقاضای استاندار و شهربانی استان سریعاً و به طور مؤثر اقدام و پس از عهده‌دار شدن مسئولیت اعاده و حفظ نظم و امنیت در شهر و وظیفه خود را به نحو مطلوب انجام و با در اختیار گرفتن تیپ مرند در زیر امر به مأموریت خود ادامه می‌دهد و این موضوع تأثیر زیادی در اهالی شهر نموده و شناگوی عنایت پیراج ملوکانه از این اقدام می‌باشند.

۷. آتش‌نشانی شهرداری:

این سازمان قبل از روز ۲۹ بهمن‌ماه هیچ‌گونه دستور آمادگی دریافت ننمود ولی در

روز مزبور به محض استمداد سریعا (ظرف ۵ دقیقه) آماده و به محل‌هایی که حریق در آنها ایجاد شده بود اعزام گردیدند. علی‌رغم مشکلات رفت و آمد و ازدحام جمعیت مع‌هذا مأمورین آتش‌نشانی با از خودگذشتگی در اطفای حریق در نقاط مختلف، خدمات مؤثری را انجام داده‌اند به طوری که خدمات آنان مورد تقدیر استاندار و شهردار قرار گرفته است.

۸. نتیجه: پیشرفت‌های کشور در کلیه شئون که در اثر انقلاب شاه و مردم حاصل شده و نتایج حاصله از آن بالطبع از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی به ضرر تعدادی از مردم منحرف و گمراه نوکران استعمار سرخ و سیاه و بدخواهان ایران که از پیروزی انقلاب شاه و مردم زیان و رنج می‌برند می‌باشد و این عده و ایادی آنان همیشه در انتظار فرصت هستند که از آن به نفع خود و مقاصدشان که متوقف کردن چرخ‌های پیشرفت کشور می‌باشد سوء استفاده نمایند و چنانچه در شهر قم و شهر تبریز از فرصت‌های موجود سوء استفاده و چنین کردند. بنابراین دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و انتظامی بایستی با هشیاری و آمادگی کامل فعالیت خود را همیشه در این جهت توجیه نمایند به خصوص به گسترش منابع اطلاعاتی و نفوذ در مردم توجه مخصوص نموده و اخبار دریافتی را به خوبی تجزیه و تحلیل و پرورش داده و به مقاصد سوء و توطئه‌های در شرف تکوین آگاهی یابند تا بتوان مانع به وجود آمدن مقدمات و آمادگی اغتشاش و آشوب از طرف عناصر فرصت‌طلب گردیده و در صورت به وجود آمدن چنین صحنه‌هایی با آمادگی و پیش‌بینی‌های قبلی با قدرت کامل سریعا هر گونه آشوب و اخلالگری را در نطفه سرکوب نمایند.

بدیهی است پرسنل و عوامل اجرایی در هر رده بایستی از یک آموزش در سطح بالا برخوردار بوده و وسایل و تجهیزات لازم را هم داشته باشند و با ارزیابی تحولات بحران گام به گام آن را تعقیب و طرح‌های اجرایی خود را با آن تطبیق و به موقع اقدام نمایند تا وضعیت عادی مثل حادثه شهر تبریز در مدت دو ساعت به وضعیت قرمز تبدیل نگردد.

ت. مسئولین:

مسئولین با توجه به اهمیت وظیفه و درجه غفلت آنها به شرح زیر معرفی می‌شوند.

درجه ۱:

سرلشگر قهرمانی رئیس شهربانی آذربایجان شرقی
غیر نظامی یعقوب یقینی رئیس امنیت داخلی ساواک استان

درجه ۲:

سروان احمدی رئیس دایره اطلاعات شهربانی

درجه ۳:

سرهنگ یحیی لیقوانی رئیس ساواک آذربایجان شرقی
سرگرد حق شناس از شهربانی (رئیس کلانتری بازار)

ث. پیشنهادات:

۱. سازمان اطلاعات و امنیت کشور در مورد شبکه‌بندی منابع کسب اخبار و میزان گسترش و نفوذ برای کسب خبر ساواک آذربایجان شرقی بررسی‌های لازم به عمل آورده و نقائص موجود در این زمینه را برطرف سازد.
۲. بررسی سازمان شهربانی شهر تبریز با توجه به گسترش شهر و تکمیل استعداد پرسنلی شهربانی، تجهیز کامل واحد ضد اغتشاش و برطرف کردن نواقص آموزشی آن.
۳. تغییر مکان باقیمانده گردان ضربت ناحیه ژاندارمری استان آذربایجان شرقی از مشکین‌شهر به تبریز مورد بررسی قرار گیرد.
۴. نسبت به فعال شدن نیروی پایداری و به موقع اجرا گذاردن طرح سپنتا در مواقع بحرانی اقدام گردد.
۵. با توجه به اینکه مرکز آموزش و پشتیبانی یک یگان رزمی نبوده و آموزشی می‌باشد و شهر تبریز در گذشته مرکز لشکر بوده است، لذا پیشنهاد می‌شود که استقرار

یک تیپ زرهی (پیاده قوی) در این شهر مورد بررسی قرار گیرد.

۶. همان‌طور که برای شهر تهران فرماندهی تأمین تعیین و این فرماندهی دارای طرح لازم و یگان‌های عملیاتی تعیین‌شده از قبل می‌باشد که طبق برنامه تمرینات لازم را نیز انجام می‌دهند پیشنهاد می‌شود اجرای همین وضع در مرکز استان‌ها و شهرهای بزرگ نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۷. هیأتی به منظور رسیدگی به وضعیت و نارسایی‌های ادارات مرکز استان و شهرستان‌های تابعه و موارد شکایت اهالی استان اعزام گردد.

چنانکه از گزارش «هیأت ویژه نظام شاهنشاهی» به دست می‌آید، رژیم شاه و مأموران آن از آرمان‌های مردمی و ماهیت حرکت و خروش ملت ایران به کلی بی‌خبر بوده‌اند و آنچه را که به عنوان «گزارش» سر هم‌بندی کردند با آنچه که در جامعه آن روز ایران جریان داشته نه تنها هم‌خوانی نداشته، بلکه مابینت کلی دارد. عدم شناخت از خواست و خروش و خشم توده‌ها و بها ندادن به اهداف و آرمان‌های بنیادی ملت، از عوامل اصلی فروپاشی رژیم شاه و پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد.

قیام تبریز و فداکاری مردم قهرمان‌پرور آن خطه و حماسه‌آفرینی‌های شهدای ۲۹ بهمن نقش بسزایی در پیروزی انقلاب اسلامی داشت.

روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد